

# پیشینه لار

## به روایت استاد احمد اقتداری

### نقد و بررسی کتاب لارستان کهن

○ سید محمد کاظم صحبت زاده

مطالب مورد نظر خویش است. فهرست آثار مورد استفاده در صفحات ۴۸ تا ۵۳ کتاب درج گردیده است.

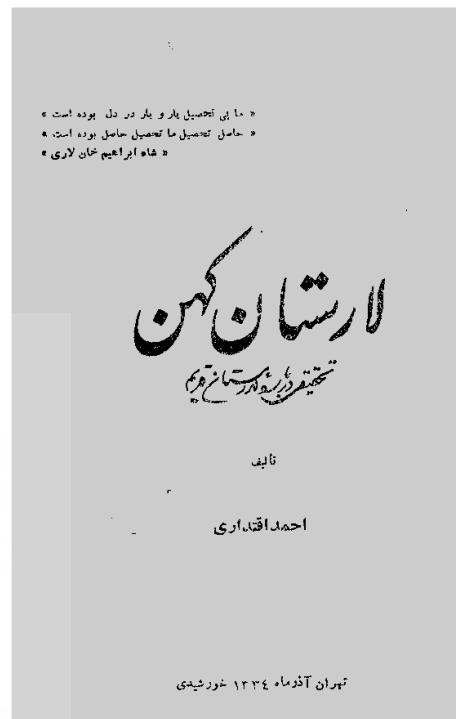
نخستین مقاله‌ای که در بخش «تحقیقات درباره تاریخ و جغرافیای تاریخ لارستان» آورده شده است، ترجمه متن فرانسوی، ذیل کلمه لار در دایرةالمعارف اسلامی اثر پروفیسور ولادیمیر مینورسکی مآخوذ از جلد سوم چاپ لیدن است. متن مذکور بر مبنای اطلاعات مندرج در سفرنامه ابن بطوطه، جهان‌آرای قاضی احمد غفاری و چند متن دیگر نگاشته شده است. آنچه مقاله مذکور را از دیگر نوشته‌ها کم و بیش متمایز می‌سازد تلاش مینورسکی برای تطبیق موقعیت جغرافیایی لار با محل وقوع افسانه‌هایی است که از زمان ساسانیان برجای مانده است: «لار مرکز منطقه لارستان و در جنوب شرقی فارس واقع است. لارستان و تاریخ قدیمش کمتر مطالعه شده است و به نظر می‌آید که این منطقه منطبق با کشوری باشد که اردشیر بابکان، ازدهای هفتان بخت (Haftan - Bokht) را که در آن سرزمین می‌زیست بکشت. بنابر افسانه‌ها و روایات ایرانی، رقیب و مدعی اردشیر در دهکده‌ای بنام «الار» (Alar) از رستاق خوجران Khudjarn که یکی از رستاق‌های ساحلی ناحیه ال - سیف از منطقه اردشیر خوره بوده زندگی می‌کرده است...»<sup>۲</sup> ماخذ مینورسکی در این باب جلد اول تاریخ طبری، صفحه ۸۲۰ می‌باشد که خود بدان اشارت دارد. بحث در چگونگی تغییر شکل واژه لار، جایگاه جغرافیایی خوجران و نام کنونی آن در ادامه پی گرفته می‌شود. حواشی مؤلف کتاب بر مقاله پروفیسور مینورسکی دربردارنده توضیحات مفیدی است که به دریافت بهتر مطالب کمک می‌کند.

مقاله جی آلان (J. Allan) در مورد «لارین» «Larin» سکه نقره رایجی که در خلیج فارس و اقیانوس هند در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی رواج داشته است نیز مؤید اهمیت و اعتبار لار در ادوار گذشته است. این متن نیز از ماخذ پیشین گرفته شده است. جی آلان با استناد به بعضی منابع موثق در مورد لارین سخن می‌گوید: «کلمه لارین از لار پایتخت لارستان مشتق است. و در این شهر بوده است که در آغاز این سکه ضرب می‌شده است. امروز شهر لار باقی است و این همان شهری است که در آنجا کلمه لاری Laris بر خاسته و سکه لارین که سکه کاملاً رایج در تمام حدود شرق بوده و از نقره عالی و در نهایت ظرافت ضرب شده بوده است از این شهر است. و نیز به نقل از سرتوماس هربرت گفته می‌شود که این سکه آنقدر معروف است که نیازی به توضیح ندارد.»<sup>۲</sup> این سکه از نظر شکل با دیگر سکه‌ها تفاوت داشته است بدین معنی که از یک قلمه نقره ظریف به طول ۴ بند انگشت ساخته شده و دارای علائم اختصاری و نوشته‌هایی بوده است. ساخت این سکه‌ها پس از فتح لار به وسیله شاه عباس اول متوقف شد اما در سایر مناطق یعنی کشورهای اقیانوس هند رایج ماند. آنچه آلان در باب رواج این سکه‌ها می‌آورد قابل توجه است: «در هندوستان در قرن هیجدهم میلادی لارین

همراه مؤلف سفری به لار نموده که حاصل آن مقاله تحقیقی جامعی با عنوان «مراجع مطالعاتی درباره لار قرون وسطی» است که در مجله علمی «ژورنال آزیاتیک» یک سال پس از انتشار چاپ اول کتاب استاد اقتداری - در سال ۱۳۳۵ ه. ش - منتشر شده است. مؤلف این مقاله را در چاپ دوم بر کتاب افزوده است و همراه با تمامی کتاب لارستان کهن، با عنوان مدخل مطالعات جغرافیایی تاریخی در باب گذشته لارستان نام‌گذاری کرده است.

مقدمه‌ای که مؤلف در چاپ نخست کتاب لارستان کهن در آغاز آورده است، در چاپ دوم پس از مقاله ژان - اوین آمده است و خواننده را به اجمال با مشخصات و مطالب کتاب و نیز با هدف نویسنده از تألیف اثر آشنا می‌سازد.

نخستین بخش کتاب روستاها و آبادی‌های لار را به خواننده معرفی می‌کند و در این راه از فرهنگ جغرافیایی ستاد ارتش، جلد هفتم و نیز اسامی دهات کشور، نشریه وزارت کشور سود برده است، اما نگاه استاد به این دو اثر خالی از انتقاد نیست: «فرهنگ جغرافیایی ستاد ارتش در مجلد استان هفتم از اغلب آبادی‌های لارستان نام برده است ولی در همین فرهنگ هم کمی نقص دیده می‌شود. بعضی نام‌ها نیامده است و برخی نام‌ها درست برابر تلفظ مردم نیست. به علاوه به روشی که در فرهنگ جغرافیایی مزبور آمده، برای جوینده، جستجوی یک نام از لارستان مشکل است. در نشریه وزارت کشور به نام «اسامی دهات کشور» هم با وجود همه دقتی که به کار رفته است ضبط صحیح غالب اسامی دیده‌ها آورده نشده است.»<sup>۲</sup> علی‌رغم انتقاد از منابع مذکور و با وجودی که سعی مؤلف این بوده است تا با نگارش لاتین کلمات تلفظ صحیح آن‌ها را بنگارد، ولی در بعضی موارد بدین مقصود نرسیده است به عنوان مثال در بعضی کلمات از (a) به جای (a) و (a) شده است: هرنگ herang فاریاب faryab و یا تلفظ کلمه‌ای که در لهجه محلی از مصوت «o» استفاده می‌شود گرچه در نگارش لاتین ملحوظ گردیده اما در نگارش فارسی رعایت نگردیده است. میستان mayston و موارد دیگری که شاید بتوان به سهل‌انگاری در حروف چینی نسبت داد: چپار (بیون تشدید) Chabe-benar . منابع مورد استفاده مؤلف در تدوین کتاب بالغ بر ۴۱ اثر اروپایی و ۵۹ اثر شرقی است که نشانگر اشتیاق و بی‌وفایی گردآوری



معمول چنین است که برای شناخت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی شهرهایی که گذشته‌ای پربر و درخور اهمیت داشته‌اند به آثاری مراجعه شود که در قرون گذشته از آنجا تألیف شده‌اند و چون اکثر این گونه مؤلفان خود از ساکنان این شهرها بوده و مشاهدات خویش را در محل وقوع حوادث به رشته تحریر می‌کشیده‌اند و بر اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و نیز آداب و رسوم مردم آنجا اشرف داشته‌اند، منابعی مطمئن برای پژوهشگران آینده به یادگار نهاده‌اند.

نمونه‌هایی از این دست تاریخ قلم اثر حسن بن محمدبن حسن قمی و تاریخ اصفهان تألیف ابوحزمه اصفهانی می‌باشد که یک مورخ با مراجعه به آن گذشته را باز می‌یابد آن را تحلیل می‌کند و به یک شناخت نسبی برای ارزیابی وضعیت یک دوره مشخص تاریخی دست می‌یابد. اما تمامی شهرهای مهم از این موهبت بهره‌مند نشده‌اند و لارستان نیز با وجود تمامی اهمیت و اعتباری که در ادوار پیشین داشته است، از وجود مورخی که دامن همت به کمر زند و تاریخ زادگاه خویش را به رشته تحریر درآورده بی‌بهره بوده است.

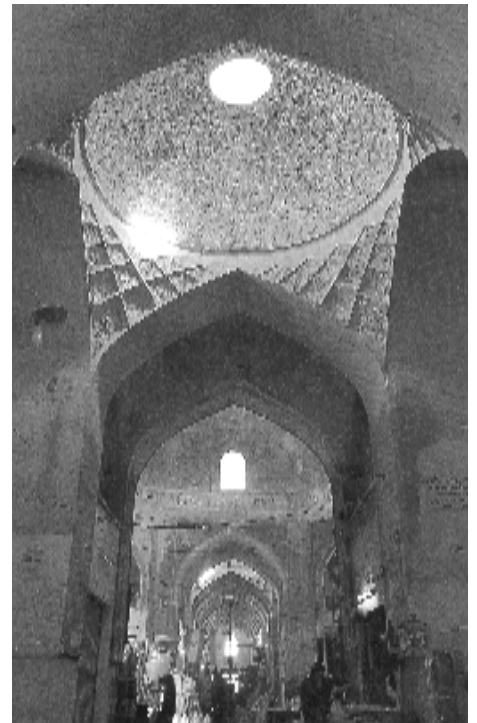
کتاب لارستان کهن، تألیف استاد احمد اقتداری نخستین کتابی است که تلاش می‌کند این شهر فراموش شده را از لابلای آثار پیشینیان بیابد و معرفی نماید. نخستین چاپ این کتاب در سال ۱۳۳۴ و چاپ دوم کتاب همراه با «فرهنگ لارستانی» در یک مجلد به سال ۱۳۷۱ توسط انتشارات جهان معاصر در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

پروفیسور ژان اوین، مستشرق فرانسوی در سال ۱۳۲۷ به

پروفسور ژان اوین، مستشرق فرانسوی، در سال ۱۳۲۷ به همراه مؤلف (استاد احمد اقتداری) سفری به لار نموده که حاصل آن مقاله تحقیقی جامعی با عنوان «مراجع مطالعاتی درباره لار قرون وسطی» است که در مجله علمی «ژورنال آزیاتیک» چاپ شده است

نخستین مقاله‌ای که در بخش «تحقیقات درباره تاریخ و جغرافیای تاریخی لارستان» آورده شده است، ترجمه متن فرانسوی، ذیل کلمه «لار» در دایرةالمعارف اسلامی، اثر پروفسور ولادیمیر مینورسکی ماخوذ از جلد سوم چاپ لیدن است

فارس - لار - بازار قیصریه



آنچه مقاله دایرةالمعارف اسلام درباره «لار» را از دیگر نوشته‌های کتاب کم‌وبیش متمایز می‌سازد، تلاش مینورسکی برای تطبیق موقعیت جغرافیایی لار با محل وقوع افسانه‌هایی است که از زمان ساسانیان بر جای مانده است

شهری را به تصویر می‌کشد بزرگ با چشمه‌های بسیار، آب‌های جاری و بوستان‌ها. اما آنچه ابن بطوطه را مشتاق سفر به لار کرده است چیست؟ «زاویه پارسا ابی دلف محمود در آنجاست و در این زاویه فرود آمدیم و این شیخ است که به قصد زیارت وی به خنج بال می‌رویم تا او را دیدار کنیم و در لار پسرش ابوزید عبدالرحمن ساکن است و گروهی از درویشان بر گرد او و در خدمت او هستند که پس از نماز پسین هر روز در این زاویه گرد می‌آیند.» سخن ابن بطوطه نشان از تسامحی دارد که میان پیروان دو مذهب شیعه و سنی وجود داشته است و برادرانه با هم می‌زیسته‌اند. اکنون نیز پیروان دو مذهب بدون هیچ مشکلی در کنار هم زندگی می‌کنند.

سلسله پادشاهان محلی لار براساس تنظیم غفاری در جهان‌آرا، نخست بیست و پنج تن از شاهزادگان فرمانرواست که پسر به جای پدر جانشین شده‌اند. این سلسله از میلاد شروع می‌گردد و به وهاب‌الدین زنگی ختم می‌گردد. سپس امیرانی که کم‌وبیش مستقل، بین قرون سیزدهم و شانزدهم میلادی بر لارستان حکومت کرده‌اند که آن نیز از قطب‌الدین مؤید به سال ۵۹۴ هجری شروع می‌شود و تا زمان ابراهیم خان بن محمدبگ ادامه می‌یابد. استقلال این سلسله از امرای محلی با شکست امیر نامبرده از شاه طهماسب صفوی در حدود سال ۹۴۸ به پایان می‌رسد.

در باب پادشاهان لار و آغاز و انجام آنان گزارشی که منجم‌باشی مؤلف صحائف‌الخبار ارائه می‌دهد آن است که: «از ابتدای حالی که وضع پادشاهان محلی لار معلوم است سال ۵۹۴ است و وقت انقراضشان محقق نیست». این گزارش تقریباً به همان صورت در کتاب زامباور تکرار شده است و به نظر می‌رسد از صحائف‌الخبار گرفته شده است. آنچه مؤید این نظر تواند بود اشتباهی است که همچون منجم‌باشی در باب جزیره بودن لار در اثر مذکور تکرار می‌شود.

اسکندر بیگ منشی در عالم‌آرای عباسی، در شرحی که چگونگی تسخیر لار را بیان می‌دارد، اشاره‌ای به سلسله شاهان محلی لار می‌نماید که چیز تازه‌ای در برنارد اما علت و چگونگی تسخیر لار که به تفصیل ذکر شده است نکته تازه‌ای است که در دیگر تواریخ بدین صورت یافت نمی‌شود.

سخن سرآرنولد ویلسون در کتاب خلیج فارس که در

به وسیله سلاطین عادلشاهی بیجار پور و سایر حکام هند ضرب می‌شده است و کثرت اشکال آن در نواحی اقیانوس هند چگونگی رواج آن را که تا چه اندازه در این نواحی بسط داشته است آشکار می‌سازد. در جزایر مالدیو پادشاه آن جزائر در اواخر قرن هیجدهم میلادی سکه لارین مخصوصی ضرب کرد که بعد از سفر پیترو دولاوله بود. «در مورد این سکه‌ها و مشخصات آنها، مقاله‌ای نیز به قلم آقای عبدالله عقیلی در خاتمه کتاب چاپ شده است که حاوی اطلاعاتی ارزشمند است. مقاله‌ای که با عنوان «لار و لهجه لاری» از متن روسی ترجمه شده است، حاصل مطالعات راماسکوویچ در سال ۱۹۱۴ است که در سال ۱۹۴۲ به چاپ رسیده است. و در آن وضعیت آب و هوایی و جغرافیای طبیعی منطقه لار توصیف شده است: «سطح لارستان بسیار ناهموار و از تسلسل رشته کوه‌های بی‌شماری به وجود آمده است. هوای لارستان تقریباً یکنواخت و گرم است و یخبندان به ندرت در این سرزمین اتفاق می‌افتد. چشمه‌های آب جاری بسیار کم است و آب‌های چشمه‌ها مخلوط با مواد گوگردی و نمک و املاح است...» اشتباهاتی فاحش نیز در متن وجود دارد که در پانویست آن به‌وسیله استاد تصحیح گردیده است از جمله آن که ساکنین لار را بلوچ‌های کوچ کرده از کرمان معرفی می‌نماید در حالی که استاد می‌گوید بر طبق مدارک تاریخی هیچ طایفه‌ای از بلوچ به لارستان کوچ نکرده بلکه افراد بلوچ به عنوان حاکم (در زمان نادرشاه) یا بازرگان در لارستان آمد و رفت داشته‌اند.<sup>۶</sup>

آنچه از سفرنامه ابن بطوطه در باب لار نقل شده است

# لارستان کهن

## فرهنگ لارستانی

تألیف: احمد اقتداری لارستانی

ناشر: شرکت انتشارات جهان مساف

سال ۱۹۲۸ میلادی به وسیله انتشارات آکسفورد به چاپ رسیده است مؤید گسترش نفوذ لار در پیرامون، حداقل در دوره پیش از صفویه است. وی می‌گوید: «در سنة ۱۶۲۱، شاه‌عباس چون موقع را برای اجرای نظریات خویش مقتضی یافت، خان لار را وادار نمود که نسبت به جزیره هرمز دعوی مالکیت کند و آنجا را مانند سابق یعنی قبل از آمدن آلبوکرک خراجگزار خود بداند.»<sup>۷</sup> در حاشیه استاد اقتداری می‌افزاید: «یک قسمت بزرگ از اردوی امامقلی خان از سواران و شمشال اندازان و تفنگچیان لارستانی بودند زیرا اولاً به سبب اینکه حاکم لارستان ادعای مالکیت و خراج بر جزیره هرمز داشت، ثانیاً به سبب نزدیکی لار به هرمز و آشنایی مردم این سامان با آب و هوای آن منطقه، استفاده از تفنگچیان و شمشال اندازان لاری که معابر نظامی و نقاط مختلف ساحل خلیج فارس را بخوبی می‌شناختند ضروری بود.»<sup>۸</sup> گرچه استاد در این دعوی به هیچ منبعی استناد ننجسته و یا لاقلاً منبع خویش را بازگو نکرده است اما مدعا از نظر منطقی دور از ذهن نیست.

آن چه شیخ محمدعلی حزین در تاریخ خویش عنوان می‌کند بیانگر نقشی است که مردم لار در قلع و قمع سپاه اشرف افغان پس از شکست و گریز او از برابر لشکر نادرشاه داشته‌اند، خود او از این منطقه جان بدر برد اما «چون اشرف از لار به سمت حدود بلوچستان راه قندهار پیش گرفت، در هر گریوه رعایا و مردم اطراف خود را بر او زده و جمعی مقتول نموده اموال می‌بردند تا آن که مال و سپاه او به انجام رسید و خود همچنان به سرعت می‌راند. پسر عبدالله بروهی بلوچ وی

## ساخت سکه های لارین پس از فتح لار به وسیله شاه عباس کبیر متوقف شد اما در سایر مناطق یعنی کشورهای اقیانوس هند رایج ماند

جغرافیایی اخذ شده به پایان می رسد و در بخشی جداگانه، رجال علمی، شاعران و مؤلفین لار معرفی می شوند. این بخش شامل دو قسمت است، نخستین آن استخراج شخصی مؤلف از کتب تاریخی است و معرفی مختصر ۴۵ تن از رجال نام آور لار است و دومین قسمت یادداشت های مرحوم محمد امین خنجی است که ۹۱ تن از رجال منطقه لارستان را به صورت مفصل و با ذکر آثار معرفی می نماید. گرچه به علت عدم ذکر منابع، استناد بدان در یک تحقیق تاریخی جای بحث دارد. مقاله آقای عبدالله عقیلی در باب سکه های لاری آخرین بخش تألیف است که بیشتر از آن سخن رفت.

در پایان سخن آن چه در باب این کتاب باید گفته شود آن که، نمی توان دقت یک کار تاریخی را از آن انتظار داشت در ذکر مأخذ اکثرأ شماره صفحه و مشخصات چاپی کتاب ذکر نمی شود که این امر باعث دشواری کار محققین در مراجعه به اصل اثر می شود. بعضی از تقسیم بندی ها در باب مناطق پیوسته به حوزه لار امروز دچار تغییراتی شده است که نیاز به بازنگری در مطالب دارد.

اگر هدف گردآوری تمامی مطالبی بوده است که در باب پیشینه لار نگاشته شده است، در چاپ دوم که پس از ۳۷ سال صورت گرفته است می شد مطالب تازه ای جدا از افزوده مختصر کنونی بدان ضمیمه کرد. اما ارزش کتاب پیشگامی در ترسیم چهره شهری است که در گذر زمان فراموش شده است. اگر زحمات استاد توانسته باشد موجب آشنایی نسل کنونی - که در زادگاه خویش روزگار می گذرانند - با تاریخ پر فراز و نشیب گذشته اش شود بی تردید دستاوردی مهم و درخور ستایش داشته است. باشد که راه وی با تلاش های نسل نوین پی گرفته شود و آثاری برپا به مستفان عرضه گردد.

### پی نوشت:

۱. اقتداری، احمد، لارستان کهن و فرهنگ لارستانی چاپ دوم، انتشارات جهان معاصر، ص ۳۸.
۲. همان، صص ۶۴-۶۳.
۳. همان، ص ۷۶. ارجاع جی آلان به کتاب، Some Years Travels, London. ۱۶۶۵. p. ۳۰ اثر سرتوماس هربرت می باشد.
۴. همان، ص ۷۷.
۵. همان، ص ۷۹.
۶. همان، ص ۸۰.
۷. همان، ص ۸۵.
۸. همان، ص ۹۳.
۹. همان، ص ۹۴.
۱۰. همان، صص ۱۰۳-۱۰۲.
۱۱. همان، پانویشت ص ۱۰۲.
۱۲. همان، ص ۱۰۶.
۱۳. همان، ص ۱۰۷.
۱۴. همان صص ۱۱۳-۱۱۱ فرماندهی سپاه کریم خان در حمله سوم به لار بر عهدۀ ولیعهد وی لطفعلی خان زند بود.
۱۵. استاد در پانویشت جایگاه این پل را ذکر کرده است: «آثار و خرابه های این پل هنوز باقی است و به نظر می آید که در راه قدیم جهرم به جویم که امروز هم راه عبور پیاده است بوده و در اطراف قلعه کیقباد در شمال غربی آبادی (زرک) و در آغاز جلگه جویم واقع بوده است. ص ۱۱۵.
۱۶. همان، ص ۱۱۸.
۱۷. همان، ص ۱۱۹.
۱۸. همان، صص ۱۲۵-۱۲۴.

هر دو به شکست انجامید و سومین هجوم لشکریان کریم خان برای قلع و قمع فرزندان نصیرخان که دست آنان را از حکومت لار کوتاه می سازد.<sup>۱۱</sup>

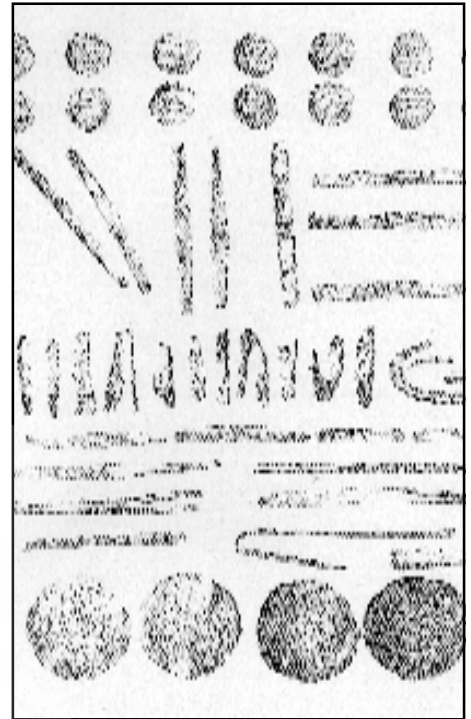
تاورنیه، سیاح فرانسوی در سفرنامه خویش وضعیت جاده های منتهی به لار را گزارش می کند. وی که در روزگار صفویه به لار مسافرت کرده است از پل عجیب و شگفت انگیزی یاد می کند که از قلۀ یک کوه به قلۀ کوه دیگر متصل شده است و فقط دارای یک دهنه است. به گفته تاورنیه این پل از آثار امامقلی خان است.<sup>۱۲</sup> اشتباهی که تاورنیه مرتکب شده است و استاد آن را تصحیح نموده آن است که وی ساکنین این منطقه را پیش از تصرف آن بدست شاه عباس کبیر گبر (زرتشتی) معرفی کند و این که فاتح مذکور آنان را به قبول اسلام وادار نمود در حالیکه سابقه مسلمانی حاکمان لار به حدود سال صد هجری می رسد.

از تازه های سفرنامه تاورنیه نکاتی است که در مورد مشرب حاکم لار ذکر می کند: «حاکم لار که مرد خوش مشرب عیاشی بود... اغلب روزها از صبح تا شب با مسیو کنستان [رئیس کمپانی هلندی] مشغول قمار بود.»<sup>۱۳</sup> در مورد استفاده ای که از این قلعه می شود نیز می نویسد: «این قلعه محبس دولتی است، امرا و شاهزادگانی که در جنگ اسیر می شوند یا به جهت دیگر مغضوب می گردند، شاه آنها را به این قلعه می فرستد. ما در آنجا دو نفر شاهزاده و امیر محبوس دیدیم، یکی از شاهزادگان گرجستان و دیگری از امراء مینگرلی بود.»<sup>۱۴</sup>

سفرنامه شاردن سرشار از توصیف مناظر و بناها می باشد. توصیف قریه ای در محدوده لار که از آن با نام «بهری» یاد می کند و امروز «بهر» خوانده می شود و مسجد و مرقدی که در آن است و نیز اعتقادات مردم که به زیبایی بیان می شود نمونه ای از این توصیفات است. نکته تازه ای که او در مورد قصر حاکم لار بیان می کند گذشته از نمای بیرونی آن که عنوان می شود از سنگ های آبی رنگ ساخته شده است، در باب فرش آن است. وی اظهار می دارد: «این قصر و اتاق هایش برخلاف سایر نقاط ایران مفروش به فرش های ایرانی نیست، بلکه از صندلی هایی از جنس خیزران است که این نیمکت ها آنقدر وسیع هستند که می توان در روی آنها استراحت کرد و علت این امر آن است که تابستان ها خیلی گرم است و مردم نمی توانند روی زمین بنشینند.»<sup>۱۵</sup>

امروز از قصری که شاردن نام می برد اثری باقی نمانده است با وجودی که طبق نشانی های وی قصر باید در یکی از جهات اربعه بازار واقع شده باشد.

فارسنامه ناصری شرح کاملی در باب لار دارد. گذشته از مطالبی که جسته گریخته در دیگر گزارش ها آمده است، حاجی میرزا حسن طبیب شیرازی مجموعه بهم پیوسته ای را در آن ابواب ارائه می دهد. از شعرایی همچون صحبت لاری، صدرالدین کلامی، صنعت لاری و علمایی مانند عبدالغفور لاری صاحب کتاب حاشیه ی غفور بر کتاب شرح جامی و آخوند ملامحمد باقر لاری سخن می گوید که از مفاخر لار محسوبند. وی از هر شاعر بیتی به عنوان نمونه نقل می کند. اسامی نقاط و دهات لار نیز به تفصیل ذکر شده است. سخن در مورد پیشینه تاریخی لار با ذکر برخی نکته ها که از کتب



سکه های لاری

را در آن حدود با دو سه کس یافته به قتلش مبادرت نموده و سرش را با قطعه الماس گران بها که بر بازوی او یافته بود نزد شاه طهماسب فرستاد، پادشاه عالیجاه آن الماس را به فرستاده او باز داد و خلعت برای او عطا شد.<sup>۱۶</sup> در جایی دیگر مؤلف تاریخ حزین به اوضاع ناسامان لار در دوران قنبر حکومت مرکزی مقتدر می پردازد. جایگزینی حاکمی به جای حاکم دیگر، جور و ستم آنان بر مردم و در نهایت شورش مردم مستاصل که به مرگ حاکم می انجامد: «چند روز توقف کردم و اوضاع آن شهر [لار] خراب نهایت ابر بود. حاکم سابق به مصادره گرفتار و حاکم جدید چهارصد کس سپاه همراه و جمعی دیگر خدمه و وابستگان داشت و از غرائب آنکه مقرر چنان شده بود که اخراجات یومیه خود را روز به روز از مردم شهر بگیرند و از خارج به سبب خرابی و ناامنی طرق اجناس به آن شهر نمی رسید و تسعیرات بالا گرفته، ماکولات کمیاب بود و معدودی از بیچارگان که پس از آن همه حوادث بازمانده بودند به فلاکت تمام روزگاری به سر می بردند. حاکم و سپاه در اخذ مایحتاج یومیه خود عنف و اشلتم داشتند و امیر دیگر برای تعداد نخیلات آن ولایت آمده و اضعاف معمول مطالبه و در آن مبالغه تمام داشت و بر سایر اشجار نیز خرابی که هرگز در آن ممالک رسم نبوده اختراع نمود. وی نیز سرکاری علیحده فروچیده بر سر مردم افتاده بود و از جمیع نواحی که دسترس ایشان بود خراج و متوجهات سال آینده را نیز محصلان شدید گماشته تحصیل می نمودند...»<sup>۱۷</sup>

تاریخ گیتی گشا حوادث و ناآرامی های لار را در دوران کریم خان گزارش می کند: دو نوبت سرکشی نصیرخان که